

بانک‌ها و خصوصی‌سازی

در برنامه سوم توسعه بحث خصوصی‌سازی در کشور مطرح است، اگر چه آهنگ حرکت آن بسیار کند است، روند حرکت به ویژه در خصوص شرکت‌های دولتی از جمله بانک‌ها که در سال ۸۴ نزدیک به ۶۸ درصد بودجه را با مبلغ ۱۰۵ هزار میلیارد تومان به خود اختصاص داده‌اند و دارای سرمایه‌ای بالغ بر ۵۰۰ هزار میلیارد تومان هستند، اگر طبق سالهای گذشته باشد نیازمند ده‌ها سال وقت برای واگذاری بخشی از سهام آنها هستیم علاوه بر این بانک‌ها که عمدتاً سرمایه خود را از طریق سپرده‌های مردم تأمین می‌کنند و طبق قوانین بین‌المللی خود در صد اندکی (تا ۸ درصد) سرمایه و دارایی را ندارند.

عمدتاً در ساختار اقتصادی کشور بسیار حساس هستند برخی بانک‌ها از شریان‌های اساسی اقتصاد کشور هستند، لذا آن حساسیت و آن ظرفیت را می‌طلبید که در هنگام اتخاذ هرگونه تصمیم دقت و ژرف‌نگری شود.

در این میان مجمع تشخیص مصلحت نظام در رابطه با صدور ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی تصمیم‌هایی اتخاذ کرده که براساس آن می‌توان سهام شرکت‌ها و برخی نهادهای دولتی تا ۶۵ درصد را طی روش‌ها و مقرراتی واگذار کرد، البته مباحث مربوط به بانک‌ها به دلیل ماهیت خاص این موسسات بسیار پیچیده است.

اکنون چند بانک خصوصی در کشور فعال شده‌اند، ولی تجربه کوتاه مدتی ناشی از فعالیت آنها را نمی‌توان مبنای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری در حوزه بانک‌های کشور قرار داد.

البته می‌توان از تجارب سایر کشورها از جمله کشور همسایه ترکیه به گونه‌ای بهره برد و واقعیت این است که بانک‌ها در طول ۲۶ سال گذشته به دلیل تسلط بر بازار پول و سرمایه از یک سو و وجود نقدینگی روبه‌تزايد در جامعه از سوی دیگر به نهادهای بسیار گسترده‌ای تبدیل شده‌اند که در نهایت تأثیر عمده‌ای در اقتصاد جامعه دارند.

تشکیل شرکت‌ها و موسسات انتفاعی مختلف توسط بانک‌ها از جمله شرکت‌های سرمایه‌گذاری و کارگزاری و حضور موثر آنها در بازار بورس و خرید سهام عرضه شده از جمله سهام شرکت‌های دولتی بانک‌ها را به تدریج به شبکه‌ای گسترده و پیچیده تبدیل کرده است که هرگونه اقدام را تابع دقت و ظرافت خاص خود می‌سازد. نبود قوانین شفاف و روشن و یا وجود قوانین کند و قدیمی در حوزه بازار پول و سرمایه از یک سو و نبود نهادهای ناظر بر عملکرد بانک‌ها و به ویژه شرکت‌های تابعه بر درجه پیچیدگی تشکیلات بانک‌ها افزوده است.

در این بین با افزایش نقدینگی در جامعه و دخالت بانک‌ها در بسیاری از حوزه‌ها از جمله مشارکت در طرح‌هایی چون آزاد راه و سایر طرح‌ها بر حجم فعالیت‌های بانک‌ها به‌طور چشمگیری افزوده شده است و هر چه این موارد گسترده‌تر و پیچیده‌تر می‌شوند، تصمیم‌گیری در شیوه‌اداره بانک‌ها و نحوه واگذاری آنها نیز مشکل‌تر و در مواردی تا حدودی غیرممکن می‌شود و واقعیت این است که قوانین موجود در حوزه بانک‌ها همانطور که گفته شد قدیمی است که جوانترین آن مربوط به بانکداری بدون ریاست که در دهه ۶۰ به تصویب رسید.

این قدمت در قوانین و مقررات در حالی که جهان هر روز شیوه نوینی را در حوزه بانک، سرمایه، پول و شبه پول، اوراق بهادار و حتی پول الکترونیکی تجربه می‌کند، موجب بروز رفتارها و اقداماتی می‌شود که اگر قانون نو و شفاف و روز و هماهنگ با پیشرفت جهان بود، نمی‌توانستند آن رفتار یا اقدام را داشته باشند علاوه بر این کهنگی و فرسودگی مقررات و قوانین باز تصمیمات را به سوی هیات مدیره و مدیران سوق می‌دهند و در عمل در مواردی مصوباتی در این نهادها تصویب می‌شود که اغلب تا زمان تصویب بر پایه قانونی تصمیم‌گیری می‌شد و یا احتمالاً تصمیم‌گیری نمی‌شد. نمونه مشخص این گونه

تصمیم‌گیری‌ها در حوزه شرکت‌های سرمایه‌گذاری و کارگزاری است که در نهایت علاوه بر بازار پول، بازار سرمایه در ید قدرت بانک‌ها و شرکت‌های تابعه قرار می‌گیرد و مرزهای بازار پول و سرمایه را معشوش می‌کند.

هنوز بسیاری از قوانین شفاف‌ساز و روشنگر در حوزه بانک‌ها و بورس لازم است. برای مثال در مقایسه با کشورهای دیگر مشخص می‌شود که چه تفاوت ماهوی بین بازارهای پول و سرمایه کشور و بسیاری از کشورهای دیگر وجود دارد مثلاً آخرین قانون در زمینه بورس و بانک‌ها در کشور مالزی در سال ۲۰۰۰ تصویب شد. در بورس کوالا لامپور کمیسیون هیات تأمین مرکز از ۹ عضو با حکم وزیر دارایی منصوب می‌شود و ۱۴ وظیفه اساسی دارد. در حالی که بورس همان قانون قدیمی را دارد. که شورای بورس و هیات پذیرش هیات مدیره و هیات داور است.

در این میان وضع بازار پول کشور که اصولاً بانک‌ها متولی آن هستند، نیز از قوانین جدید به دور است وجود نهادهای مختلف، صندوق‌ها، قرض الحسنه‌ها، خیریه‌ها و موسسات اعتباری و غیره در این حوزه وضع را پیچیده‌تر می‌کند و در این بین اگر چه سیستم پولی عمدتاً در اختیار شبکه بانکی دولتی است، ولی به دلیل نبود یک قانون فراگیر در مواردی به صورت دستوری عمل می‌کند، علاوه بر آن هنوز مالکیت انواع دارایی‌ها که در سالهای اخیر با رشد جهشی قیمت سهام روبه‌رو بوده در پرده‌ای از ابهام قرار گرفته است.

مسائل دیگری نیز وجود دارد از جمله این که بسیاری از کارشناسان و اساتید دانشگاه اعتقاد دارند با توجه به نبود قانون و مسائل مختلف تفکیک بازار پول از بازار سرمایه تا حدی ناممکن است از جمله دلایل بیان شده موضوع عرضه سهام (سرمایه) است که باید در نهاد سرمایه‌ای عرضه شود؛ اما توسط بانک‌ها انجام می‌گیرد و مشخص نیست در صورت جدایی بازار پول و سرمایه و به عبارت ساده‌تری در نبود بانک‌ها سهام در چه معنی و چگونه باید فروخته شود.

مراد از بیان مسائل ذکر شده این است که اصولاً در بانک‌های موجود کشور به دلیل آنچه بیان شد نمی‌توان به سادگی در روند خصوصی‌سازی قرار داد، لذا قبل از اقدام به خصوصی‌سازی باید گروهی از کارشناسان آگاه در حوزه پول، سرمایه و روش‌های بانکداری نوین گرد هم آیند و به کالبد شکافی وضع بانک‌ها بپردازند و با تفکیک وظایف و ارائه قوانین و مقررات پرداخته و بانک‌ها را در یک مسیر شفاف قرار دهند و سپس با مطالعه دقیق در ۴ بانک صادرات، تجارت، ملت و رفاه شیوه خصوصی‌سازی آنها را تبیین کنند.

ضروری است قبل از هرگونه اقدام به خصوصی‌سازی بانک‌ها قبلاً وضع شرکت‌های تابعه را مشخص کنند می‌توان با مطالعه دقیق بسیاری از این نهادها را طی یک برنامه مدون به بخش خصوصی واگذار کرد، البته نوع شرکت‌ها به گونه‌ای است که باید مطالعه شود که چه شرکتی را به چه نهاد خصوصی واگذار کرد، مثلاً در حوزه شرکت‌های سرمایه‌گذاری شرکت‌هایی در حوزه‌های مختلف از جمله ساختمان فعال هستند می‌توان با مطالعه اینگونه شرکت‌ها را به شرکت‌های ساختمانی خصوصی یا انبوه‌سازان واگذار کرد به بیان دیگر قبل از هرگونه خصوصی‌سازی خود بانک‌ها باید به سبک کردن بانک‌ها روی آورد و ابتدا از شاخ و برگ بانک‌ها شروع و سپس به بدنه رسید.

تدوین یک برنامه مدون چند ساله می‌تواند بستر خصوصی‌سازی را با کمترین افت عملی کند. در این میان باید به نحوه واگذاری سهام نیز توجه و دقت کرد که بر خلاف برخی شعارها در کشورهای پیشرفته بسیاری از موسسات عمومی چون شرکت‌های هوایی (لوفت هانزا) و بانک‌ها به گونه‌ای دولتی و خصوصی اداره می‌شود و سهام آنها در بورس عرضه می‌شود. واقعیت این است که بانک‌ها از نظر ماهوی دو گونه هستند. اول بانک‌هایی که وظیفه خود را طبق قانون انجام می‌دهند و در هر حال بخش بزرگی از بازار پول را در اختیار دارند. دوم شرکت‌هایی که در طول سالهای منمادی با مشارکت کم یا زیاد بانک‌ها تاسیس شده‌اند که در حوزه‌های مختلف کارگزاری و سرمایه‌گذاری فعال هستند.

این نوع نهادها در زمینه بازار سرمایه‌ای فعالیت دارند جدا کردن این

نهادها از بانک‌ها و تفکیک بازار پول از بازار سرمایه قبل از هرگونه اقدام در حوزه خصوصی سازی یک ضرورت انکارپذیر است و باید در اولویت واگذاری شرکت‌های اقماری بانک‌ها قرار گیرند اصولاً پس از ادغام بانک‌ها و انحلال برخی بانک‌های تخصصی از جمله بانک‌های سرمایه‌گذاری استان‌ها تناقض آشکاری در حوزه بازار پول و سرمایه به وجود آمده است، چنانچه این تناقض حل و فصل نشود، خصوصی سازی و یا کاهش تصدیگری‌ها به طور ناقص انجام می‌شود به نظر می‌رسد که بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی به همراه کارشناسانی از بانک‌ها باید به کالبدشکافی دقیق بانک‌ها بپردازند و کلیه بانک‌های دولتی و شعب داخلی و خارج آنها و همچنین شرکت‌های وابسته و پیوسته به آنها به طور دقیق شناسنامه دار شوند.

پس از کالبدشکافی عملیات بانک‌ها و شناسنامه دار کردن آنها می‌توان برای واگذاری سهام اقدام کرد که صد البته ابتدا باید شاخ و برگ‌های آویزان بر بانک‌ها پس از مطالعه و اگذار شود و در مواردی که وجود این گونه شرکت‌ها ضروری نیست، منحل شوند و بعد از آن باید به اصل سهام بانک‌ها پرداخته شود.

در این حوزه نیز باید یک کار کاملاً علمی و مطالعات طبیعی انجام گیرد تا مشخص شود از ۱۰ بانک موجود دولتی کدام یک از آنها دولتی می‌ماند و یا کدام یک واگذار می‌شود نحوه واگذاری و میزان سهام واگذاری شده نیز باید مشخص شود.

پس از تعیین اینگونه راهکارها باید در شیوه واگذاری چه از طریق بورس و یا... تصمیم گرفت تجربه مائزگی مثال خوبی است این کشور پس از بحران ۱۹۹۷ در حوزه سیاست‌های پولی و سرمایه‌ای بسیار محتاط عمل کرد از جمله اقدامات انجام گرفته در واگذاری سهام بانک، مشارکت صاحبان سپرده در سهام بانک‌هاست یعنی سهام بانک ارزش گذاری می‌شود و ارزش اسمی سهام مشخص می‌گردد و سپس با استعلا می‌از سپرده‌گذاران مبنی بر این که آیا خواهان مشارکت و یا خرید سهام هستند؟ که در صورت پاسخ مثبت و تعیین میزان سهام دریافتی، سپرده‌گذار با یک عملیات ساده حسابداری سهامدار بانک می‌شود.

آیا می‌توان در کشورمان نیز از این روش بهره جست؟ که نیازمند مطالعه است.

به هر حال واگذاری تصدی‌ها و یا خصوصی سازی در مواردی چندانی آسان نیست که در حوزه بانک‌ها به دلیل حساسیت این نهادها این امر یعنی خصوصی سازی نیازمند مطالعه دقیق و همه‌جانبه است. وجود چند بانک خصوصی موجود نیز می‌تواند مویذ توفیق آنها باشد، زمان لازم است که این بانک‌ها در مسیر اقتصادی کشور حرفی برای گفتن داشته باشند حضور آنها در بورس و تلاش‌هایی که برای افزایش ارزش سهام آنها به عمل آمده است، نیز به باور نگارنده غیر واقعی بود در حالی که شاخص‌ها در بورس در حال کاهش است و روندی خاص در حال شکل‌گیری است تنها شرکت‌ها و موسساتی از این روند به سلامت عبور خواهند کرد که هم داده‌ها و ارقام مندرج کاملاً عینی و واقعی بوده‌اند.

در صورتی که خدای ناکرده برخی از ارقام و آمار تابع تب افزایش شاخص‌ها و سهام بوده و یا به صورت حباب شکل گرفته باشد، احتمال ترکیدن آن وجود دارد.

بانک‌ها موسسات بس حساس و ظریف و تاثیرگذار هستند باید در تعامل با آنها از جمله در خصوصی سازی آنها دقت بیش از حد به کار برد تا بار سال به سر منزل مقصد برسد. ان شاء الله